

ساختارهای حقوقی منطبق با توسعه جهانی

علی صابری^۱

^۱ پژوهشگر

نویسنده مسئول:

علی صابری

چکیده

هر ساختار اجرایی و مدیریتی برای تاثیر گذاری مطلوب و اداره کردن موفق نیازمند آن است که ساختارهایی استاندارد و مبتنی بر رشد جامعه داشته باشد قوانین و ساختارهای حقوقی از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند چرا که وظیفه ای بنیادی در راستای امنیت و توسعه جامعه بر عهده دارند قطعا با رشد فناوری علوم مختلف ساختارهای نوین در زندگی شکل گرفته است و ارتباطات و تعاملات ماهیتی نوین پیدا کرده اند لذا برای اجرایی کردن قوانین حقوقی در نهادهای جامعه نیاز به درک رابطه ها و تعاملات پیشرفته هستیم تا قوانینی منطبق با ماهیت فرآیندها را وضع نمایم ساختارهای حقوقی در هر بخشی از جامعه معنا و مفهوم دارند حقوق فردی، حقوق اجتماعی، حقوق سازمانی، حقوق خانواده ... و از آنجا که توسعه و رشد محصول پیشرفت و نوآوری در همه ابعاد جامعه است لذا ساختاری حقوقی موفق و موثر خواهند بود که برای بخش های مختلف جامعه دستورات و اصول اجرایی استاندارد داشته باشد. ساختار حقوقی ایده آل عاملی است در جهت رشد و توسعه جامعه از جنبه فردی و اجتماعی، لذا وقتی جامعه ای به توسعه و پیشرفت اهمیت بدهد لازم است قوانینی حقوقی داشته باشد که هم راستا با توسعه جامعه عمل کند.

واژگان کلیدی: حقوق، توسعه جهانی، فرهنگ، ساختارهای حقوقی

مقدمه

توسعه جهانی به معنای رشد منظم و اصولی همه ابعاد جامعه است در واقع می توان گفت که توسعه جامعه به رشد قوانین حقوقی وابسته است یعنی با اهمیت به کل بخش های جامعه فرآیند توسعه محقق خواهد شد که بخش حقوقی نیز از عوامل موثر در فرآیند است. ساختارهای حقوقی در جوامع توسعه یافته از ماهیت و اصولی تعریف شده بهره می برند و قوانین برای هر فعالیت فردی و اجتماعی دستورات و ملزومات خاص خود را دارد توجه به امنیت، رفاه و توسعه فردی و اجتماعی هدف ساختارهای حقوقی معتبر است و لذا در چنین جوامعی آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی کنترل شده اند و محیط تعاملی مطلوبی شکل گرفته است که طبعا سایر فرآیندهای توسعه نیز در چنین جوامعی ممکن خواهد بود. نظم و امنیت جامعه در راستای قوانین حقوقی است و برای ایجاد چنین شاخص هایی در جامعه نیاز به تحلیل و بررسی ساختارها و ماهیت مولفه های جامعه هستیم. جامعه باید واکاوی و کارشناسی شود ایجاد جامعه سالم با بهره گرفتن از قوانین حقوقی استاندارد امری است که تخصص و دانش لازم دارد چرا که هدف قوانین تابعیت و پیروی افراد از آن است و همچنین خلق شرایط مطلوبی برای زندگی افراد و اگر قوانین نتوانند بر افراد و نهادهای جامعه تاثیر بگذارند و بازتاب های اجتماعی مناسب را نداشته باشند بدیهی است که از اصول و برنامه های مناسبی بهره نمی برند و این نیاز به بررسی توجه دارد چرا که بی توجه به چنین مسائل تاثیر گذاری جامعه را وضعیت نامناسب قرار خواهد داد و افراد و نهادهای جامعه را از محیط زندگی ایده آل محروم می کند از این نظر توجه به ارزش های حقوقی نوعی توجه به ماهیت فرد و جامعه محسوب می شود.

بیان مساله

به این دلیل می خواهیم که ساختارهای حقوقی را رشد و توسعه دهیم که جامعه ای پیشرفته و سالم را برای افراد ایجاد کنیم افراد و جامعه از جنبه های مختلف در معرض تهدید و ناامنی هستند، تنازعات اجتماعی، بزهکاری و جرم، وجود خلافکاران و مجرمان، عناصر منفی و نامتناسب فرهنگی و اخلاقی، سیستم های ناسالم و سایر موارد مشابه لازم می دارد که جامعه و افراد باید از این تهدیدات مصون بمانند و افراد سالم از امتیازات و حقوق شایسته بهره مند گردد و از طرفی علم حقوق نیز چون سایر علوم مختلف در راستای فناوری متحول شده است و پیروی از الگوهای نادرست حقوقی انتخابی مغایر با مسیر پیشرفت است ساختارهای مدرن زندگی نوین و مقابله با عوارض آن در سایه ساختارهای حقوقی بر پایه دانش و پژوهش میسر خواهد شد تا مولفه های زندگی مدرن به درستی استفاده شوند و به جای تهدید عاملی در راستای توسعه جامعه باشند. نمی توان مانع نفوذ تکنولوژی های نوین و پیشرفت های اجتماعی شد بلکه باید دانش های لازم را فرا گرفت و از نتایج و دستاوردهای تکنولوژی در خلق جامعه ای بر مبنای الگوهای رشد یافته اجتماعی بهره برد از این نظر است که مبحث ساختارهای حقوقی منطبق با توسعه جهانی دارای اهمیت می شود و باید برای آن طرح و برنامه اجرایی ارائه داد.

طرح مساله

اینکه چگونه می توان یک ساختار موفق حقوقی را تشکیل داد به عوامل متعددی بستگی دارد یعنی ایجاد چنین ساختاری نیازمند مدیریت و اقداماتی مهندسی شده در ابعاد مختلف جامعه با بهره بردن از دانش رشد یافته زندگی مدرن است تا سبب شود جامعه از هر لحاظ دارای ویژگیهای حقوقی استاندارد باشد. برخی از ساختار و دستورات حقوقی نیاز به تعمیم و توسعه دارند و این نیازمند دانش و تخصص است چون حقوق دارای شاخه های متعدد است لذا توسعه آن باید در یک انسجام مدیریتی و اجتماعی صورت گیرد خانواده، فرد، نهادهای جامعه هر کدام باید دارای مبانی حقوقی کارشناسی شده و تخصصی باشند طوری که بتوانند محدوده و محیط اجرایی خود را از لحاظ حقوقی به شیوه ای اصولی اداره کنند و از طرفی اجرای برنامه های حقوقی برای اصلاح جامعه باید دارای پشتوانه های ملی باشند یعنی به عنوان یک طرح ملی و جامع به آن پرداخته شود و امکانات لازم در راستای بستر سازی آن فراهم گردد امکاناتی که با توجه به دامنه فرآیند باید متناسب و تاثیر گذار باشد. در یک نگاه اجمالی می توان اقدامات در راستای توسعه ساختارهای رشد یافته حقوقی شامل این موارد است:

- اجرای طرح های فرهنگی و آموزشی به نحوی که افراد و نهادها از احترام به حقوق و رعایت قوانین جامعه آگاهی پیدا کنند و خود را موظف به رعایت آن بدانند.
- نظام های قانون گذار باید ساختار و چگونگی فعالیت سالم حقوقی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و فرهنگی جامعه را در تدوین و اجرای قوانین مد نظر قرار دهند.
- نهادهای اجرای قوانین حقوقی چون دادگاه ها و نهادهای انتظامی و امنیتی در بررسی مشکلات حقوقی و اجرای احکام حقوقی و قضایی باید دارای برنامه های کاری استاندارد باشند و هدف آن حفظ حقوق در جامعه باشد.

- وکلا، قضات و مشاورین حقوقی باید دانش، تخصص و تعهد لازم را داشته باشند و مسئولیت خود را به بهترین شیوه منطبق با اصول قانونی انجام دهند.
- افراد در جامعه وظایف و مسئولیتهایی دارند هر فرد شهروند باید قوانین جامعه را بپذیرند و پیروی از آن را وظیفه اجتماعی، فرهنگی و دینی خود بدانند لذا اهمیت رعایت حقوق توسط فرد باید در ساختارهای جامعه نهادینه شود و افراد از وظایف حقوقی خود آگاه باشند.

نقش توسعه فرهنگ در پیشبرد اهداف حقوقی

برای اینکه حقوق قدرت و تاثیر بیشتری داشته باشد باید ساختار اجرایی مناسب و متناسبی را در بخش های مختلف جامعه داشته باشد می توان آن را در دو بخش بیان کرد یک نوع فرهنگ کار و شغل در راستای توسعه حقوق است به عنوان مثال اگر یک نهاد یا مجموعه از یک الگوی کاری تعریف شده و سازمانی بهره ببرد که در آن مسئولیتها در چارچوب مشخص بیان شده باشد و هدف مجموعه توسعه در سطح نهاد یا سازمان و در سطح ملی و بین المللی باشد و در مجموعه حقوق اعضا رعایت شود و همچنین محیط به گونه ای باشد که افراد وظایف کاری خود را اصولی انجام دهند منطبق با روند سیستم در اینصورت در این مجموعه قوانین حقوقی رعایت خواهد شد و به قوانین در سطح ملی و بین المللی هم اهمیت داده می شود پس در اینصورت نهادی در جامعه شکل می گیرد که فعالیت و عملکردهایش با استفاده از فرهنگ کار و شغل در راستای توسعه حقوق در سطح جامعه است. یک بعد دیگر آن اخلاق فرهنگی است یعنی چگونه مفاهیم اخلاقی، انسانی و دینی را در جامعه ترویج داد به نحوی که باعث رشد فکری و اعتقادی افراد شد و افراد وظایف فردی و اجتماعی خود را رعایت کنند وقتی فردی به وظایف و حقوق خود در جامعه آگاهی پیدا کرد و تحت تاثیر فرهنگ آموزشی رشد پیدا کرد قطعاً به حقوق در جامعه آگاهی می یابد و فردی می شود که عملکرد او در راستای قوانین حقوقی جامعه است به عنوان مثال قصد تخریب اموال افراد دیگر و دارایی های ملی را نمی کند، در هر موقعیتی سعی می کند طبق اصول و انضباط اجتماعی رفتار کند از این نظر چنین فردی خود عاملی است در جهت رشد حقوق در جامعه چرا که فردی است دارای درک و بینش به سبب آموزش های فرهنگی جامعه پس می توان با داشتن چنین افرادی دارای جامعه ای سالم بود.

رابطه حقوق با آزادی های فردی و اجتماعی

در مجموعه ای به نام جامعه برای اداره کردن و مدیریت آن نیاز به برنامه و قانون است اصولاً جامعه به محیطی اطلاق می شود که ارتباطات و تعاملات اجتماعی در آن برقرار باشد لذا برای این نوع رابطه های متنوع باید ساختاری تعریف شود و هر کس یا هر نهادی از وظیفه و مسئولیت خود آگاهی داشته باشد و طبق آن عمل کند و اگر بر خلاف اصول این ساختار عمل کرد قوانینی بازدارنده و مجرمانه برای او وجود داشته باشد پس زمانی می توانیم رابطه آزادی با حقوق را در جامعه بیان کنیم که مطالب ما بر اساس یک محیطی به نام جامعه با ساختار استاندارد باشد چون حذف مولفه جامعه و تحلیل جداگانه آزادی و حقوق تفسیری نادرست ارائه می دهد و از این نظر است که اختلافات در این زمینه به وجود می آید و همچنین تعریفی که از آزادی و حقوق می شود باید بر طبق ماهیت جامعه باشد. حقوق یعنی اینکه هر فردی یا نهادی دارای حق اجتماعی است دارای امکاناتی که جامعه مسئول است آن را به افراد ارائه دهد و همچنین اگر فردی در جامعه از اصول اساسی و قانونی تخطی کرد با او برخورد نماید پس وظیفه جامعه درباره افراد مشخص است لذا هر مولفه ای که این ساختار را نقض کند مغایر با اصول حقوقی جامعه است و پذیرفتنی نیست. در تعریف آزادی نیز می توان گفت که هر فردی با توجه به ساختار تعریف شده جامعه در انتخاب ها و مسیر خود آزاد است لذا آزادی هم در ساختار جامعه تعریف می شود چون اگر مثلاً هر کسی بخواهد از قانون تخطی کند دیگر محیطی به نام جامعه وجود نخواهد داشت که برای آن ساختار و قانون تعریف کرد از این جهت می توان گفت که در یک جامعه استاندارد حقوق و آزادی مغایرتی با یکدیگر ندارند و آنچه حقوق خوانده می شود نوعی آزادی است به شرطی که ساختار آن نظام حقوقی اصولی باشد و همچنین افراد و نهادهای جامعه بر طبق اصول جامعه عمل کنند و در کل می توان گفت که نباید حقوق و آزادی یک فرد یا یک نهاد باعث سلب آزادی و حقوق سایر بخش های جامعه شود در اینصورت است که جامعه در راستای اجرای قوانین حقوقی شرایط مطلوبی خواهد داشت.

نقش دین در توسعه ساختارهای حقوقی

مفاهیم و آموزه های دینی و اعتقادی اگر به شیوه ای صحیح آموزش داده شوند تاثیر مطلوبی را در جامعه خواهند داشت و اگر هم شیوه ترویج و بیان آن اصولی نباشد باعث ترویج خرافات و انحرافات فکری و اخلاقی خواهد شد لذا برای اینکه بخواهیم دستورات دینی در راستای توسعه و رشد جامعه در ابعاد مختلف باشد باید با پیروی از ساختاری استاندارد آن را آموزش دهیم ارزش های و فضائل انسانی اگر بر پایه مفاهیم دینی بیان شوند سبب خواهد شد که افراد از لحاظ اخلاقی و رفتاری رشد کرده و لذا فردی خواهند شد که اصول انسانی و اجتماعی را می پذیرند و از آن پیروی می کنند لذا فردی خواهند شد که اصول قوانین حقوقی را می پذیرند و عضوی سالم و موثری در فرآیند توسعه حقوقی جامعه می شوند. داشتن نگرش های اعتقادی رشد یافته تاثیر مطلوبی در رشد فرهنگ جامعه خواهد داشت و اگر هم

جامعه ای از لحاظ فرهنگی رشد کند می توان گفت که همه ابعاد جامعه در سطح مطلوبی از رشد و پیشرفت برخوردار خواهد شد لذا سطح فرهنگی به معنای سطح دانش و اخلاق اگر توسعه یافته باشد ارزشهای انسانی و نگرش های سازنده و خلاق در جامعه رشد خواهد کرد بستری فراهم می شود که پیشرفت و توسعه جامعه از جنبه های مختلف محقق می شود.

اهمیت ساختارهای حقوقی

ساختار در پیشبرد هر روندی نقش اصلی را دارد در اقتصاد، مدیریت، فرهنگ، حقوق و سایر ابعاد جامعه، اگر برای فعالیت های یک نهاد یا مجموعه ای روش کاری بیان کنیم که مجموعه بر طبق آن عمل کند ساختار نامیده می شود اهمیت ساختار به این دلیل است که فعالیتها هدفمند و منظم می شوند، به نقش و جایگاه اعضا و عوامل توجه می شود و بر طبق توانایی ها و دانش برای آنها فعالیت تعریف می شود به نحوی هر کدام می توانند به نوعی در سیستم تاثیر بگذارند و از طرفی در صورت تخطی و سرپیچی از اصول سازمان با آنها برخورد های حقوقی و مدیریتی خواهد شد. در ماهیت حقوق نیز این روند جاری است یعنی اگر مجموعه را جامعه فرض کنیم اگر در ساختارهای حقوقی به همه ابعاد توجه نشود سیستم جامعه به درستی عمل نمی کند و لذا جامعه دچار بحران خواهد شد پس ساختار حقوقی به معنای شیوه اجرای قوانین حقوقی با پیروی از مدل ها و ساختارهای برتر و تاثیر گذار است بهبود و توسعه تدوین و اجرای قوانین حقوقی. در هر جامعه ای قانون اساسی وجود دارد و نظام دولتی با ساختار مشخص و در هر نظام هم بخشی مربوط امور حقوقی و قضایی است لذا شکل ساختار باید از مبدا و تصمیم گیرنده اصلی به شیوه ای صحیح به سایر بخش های مربوط به آن تعمیم یابد و همه اجزا از یک روند هم راستا در رسیدن به یک هدف اقدام کنند و همچنین محتواهای حقوقی و ساختارهای اجرایی تخصصی و کارشناسانه باید انتخاب و اجرا شوند تا همسو با رشد و پیشرفت جهانی بتوانند تاثیر و نفوذ اجرایی داشته باشند و بدیهی است که اقدام بر اساس چنین ساختار استاندارد نتایج و بازتاب های مطلوب خواهد داشت.

بحث و نتیجه گیری

توسعه جامعه از فرآیندهایی است که در تمام جوامع مورد توجه قرار می گیرد و برای آن برنامه ریزی هایی کارشناسانه انجام می شود و در واقع اقدامی است که همه بخش های جامعه را در یک مسیر و هدف قرار می دهد با بهره بردن از دانش و تکنولوژی مدرن طوری که بتوانند جامعه ای توسعه یافته با امکانات پیشرفته شکل دهند قطعاً جامعه ما نیز به این فرآیند مهم نیاز دارد و برای آن برنامه ریزی انجام می دهد بخشی از اعضای موثر در این فرآیند ساختارهای حقوقی جامعه هستند که با توجه به ماهیت و تعریف توسعه برای اینکه عمل یک بخش از جامعه موفق باشد باید بتواند در روند سیستم موثر باشد لذا ساختارهای حقوقی نیز باید با اهدافی برنامه ریزی شده به گونه ای عمل کنند که باعث شوند قوانین حقوقی در هر بخش جامعه به شیوه ای اصولی اجرا شود و تمام بخش های جامعه با رعایت قوانین به سیستمی سالم و سازنده تبدیل شوند و عاملی در جهت ارتقای فرهنگ حقوقی و اجتماعی و رسیدن به جامعه ای مطلوب فعالیت کنند جامعه ای سالم که رفاه، امنیت و پیشرفت را برای افراد فراهم می نماید.

مراجع

- صابری.علی، ماهیت قوانین حقوقی، مجله علمی تخصصی پژوهش در فقه و حقوق، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۶
- صابری.ع، بررسی جامعه شناسی حقوق، مجله حقوق و علوم قضایی، شماره ۲۸ جلد ۱، مهر ماه ۱۳۹۶
- صابری.ع، تعریف جامعه سالم، مجله علمی تخصصی روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی، آبان ماه ۱۳۹۶
- صابری.ع، امنیت همه جانبه در جامعه، مجله علمی تخصصی روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی، آبان ماه ۱۳۹۶
- صابری.ع، ماهیت اصول تربیتی، مجله علمی تخصصی روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی، آبان ماه ۱۳۹۶
- صابری.ع، تجدد در عرصه های مختلف، مجله علمی تخصصی علوم انسانی اسلامی، آبان ماه ۱۳۹۶
- صابری.ع، بررسی حقوق و آزادیهای فردی، مجله حقوق و علوم قضایی، شماره ۲۸ جلد ۱، مهر ماه ۱۳۹۶
- صابری.ع، کیفیت زندگی کاری، کنگره بین المللی جامع روانشناسی ایران، تهران، ۱۳۹۵